

گزارش تاریخی

۷۲۱۱۱؛ اولین شماره

تاکسی تلفنی در ایران!



فکر می کنید فقط نسل شما طعم ترش و شیرین تماس با تاکسی های بی سیم را چشیده است؟! سخت در اشتباه اید! نخستین بار در ۱۲ مهر ماه سال ۱۳۴۸، یعنی ۵۲ سال قبل، مثل فر دایی، افتتاح نخستین تاکسی تلفنی ایران اعلام شد؛ آن هم در تهران. لابد می پرسید خب! این که تاکسی تلفنی است و چه ربطی به تاکسی بی سیم دارد؟! عرض می شود که طبق گزارش روزنامه کیهان، مورخ ۱۰ مهرماه ۱۳۴۸ که خبر آغاز به کار این تاکسی ها را باآب و تاب منتشر کرده بود، همه خودروهای این تاکسی تلفنی، مجهز به بی سیم بودند و در هشت نقطه شهر تهران، به عنوان ایستگاه مستقر می شدند: میدان فردوسی، چهارراه پل چوبی، سه راه ضرابخانه، میدان تجریش، سه راه نارمک، سه راه عباس آباد، سه راه موزه و چهارراه منیریه. حوزه فعالیت این تاکسی ها شامل شهر تهران و منطقه شمیرانات بود. اهالی پایتخت می توانستند با گرفتن دو شماره ۷۲۱۱۱ و ۷۴۲۱۱، درخواست تاکسی کنند. بلافاصله از طریق بی سیم تاکسی های مستقر در نزدیک ترین ایستگاه، برای درخواست کننده اعزام می شد. تاکسی تلفنی ها با گسترش تعداد مشترکان مخابرات، به تدریج بی سیم را کنار گذاشتند. البته این به معنای حذف کامل تاکسی بی سیم نبود و این تاکسی ها همچنان در تهران و معبودی از مراکز استان ها فعال بود. با این حال، شهر مشهد تا همین دو دهه قبل، از داشتن تاکسی بی سیم محروم ماند و تاکسی تلفنی ها به صورت سنتی در آن فعالیت می کردند. البته امروزه با افزایش اینترنت و تاکسی های اینترنتی، به تدریج نه از تاکسی های بی سیم اثری خواهد ماند و نه تاکسی تلفنی های سنتی و همه ناچارند یک جوری خودشان را با فناوری های جدید هماهنگ کنند.

تاریخ جنگ

جنگی که کار دست استالین داد

فنلاند تا آغاز قرن ۱۹ یکی از استان های امپراتوری سوئد بود و پس از پیمان «هامینا» در سال ۱۸۰۹، یکی از استان های شوروی شد که البته خودمختار بود. در این دوران، فنلاند در مسیر توسعه گام برداشت و همزمان، اصلاحات «الکساندر دوم»، امپراتور روسیه هم آغاز و این همزمانی موجب هم افزایی در توسعه و اصلاحات در فنلاند شد. پس از شکست روسیه در جنگ جهانی اول، فنلاندی ها علم استقلال برداشتند و خود را زیر پرچم روسیه نجات دادند. خطوط مرزی کشور نوپای فنلاند، در فاصله بسیار نزدیک با سن پترزبورگ قرار داشت و همین نکته، سال ها بعد، موجب نگرانی استالین شد. سال ۱۹۳۹ میلادی، ژوزف استالین، پیمان مولوتوف-ریبن تروپ را با آلمان امضا و این موضوع، او را بیش از پیش از آسیب پذیری مرز شوروی با فنلاند و خطر اشغال دومین منطقه اقتصادی شوروی از طریق این کشور نگران کرد. استالین برای رفع نگرانی خود به فنلاندی ها پیشنهاد کرد از مرزهای جنوبی خود در باریکه کارلیا عقب بروند و به ازای آن، سرزمین های شمالی تر را به کشور خود ضمیمه کنند. او در عین حال از فنلاندی ها خواست یک پایگاه دریایی در هانکو، در جنوب این کشور، به شوروی واگذار کنند که البته فنلاند، اعطای پایگاه نظامی را ضربه به حاکمیتش دانست و از این رو پیشنهاد استالین را نپذیرفت. این مسئله، باعث بروز جنگ موسوم به «زمستان» شد. شوروی بدون اعلام جنگ، با ۴۰۰ هزار سرباز، ۱۵۰۰ هواپیما و بالون نظامی و ۱۵۰۰ تانک، به خاک فنلاند حمله کرد و در مقابل، فنلاند با ۲۵۶ هزار سرباز، ۲۷۰ هواپیما و بالون نظامی و ۲۶ تانک، به مقابله با ارتش سرخ شتافت. جالب این که برخلاف برتری واضح عددی ارتش سرخ نسبت به ارتش فنلاند، شوروی در مرزهای شمالی شکست های سختی را متحمل شد؛ اما در نهایت در مرزهای شرقی توانست متصرفاتی را به دست آورد. برخی مورخان علت شکست های متعدد شوروی را، تصفیه فرماندهان ارتش سرخ توسط استالین پس از به قدرت رسیدنش می دانند. سرانجام استالین، در روز ۱۲ مارس سال ۱۹۴۰ با فنلاندی ها پیمان صلح امضا کرد و جنگ زمستان، بدون دستاورد مهمی برای شوروی خاتمه یافت. هیتلر پس از پایان جنگ زمستان، دریافت که ارتش سرخ، به رغم تبلیغات گسترده، دارای ضعف های ساختاری در نحوه فرماندهی و روحیه سربازان و دیگر مسائل است و شاید همین مسائل او را برای حمله به شوروی در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ ترغیب کرد.

منحصر به فردترین دبیرستان ایران در مشهد

دبیرستان آیت... کاشانی در منطقه طلاب، با تقدیم ۱۰۵ شهید در دفاع مقدس، نقش بی نظیری

در یکی از حساس ترین برهه های تاریخ کشور ایفا کرد



می دهند، جای چه در دانه هایی را پر می کنند.

■ قبل از انقلاب هم، کانون مبارزه بود

دبیرستان آیت... کاشانی، سه چهار سال قبل از انقلاب تأسیس شد. اول آن را برای ساختمان باشگاه افسران بنا کرده بودند؛ اما خیلی ها می گفتند که احداث آن در این منطقه، دلیل دیگری داشته است. به هر حال، دلایش هر چه بود، رژیم ترجیح داد آن را به آموزش و پرورش واگذار کند. بعد از انقلاب، مدرسه را دو بخش کردند؛ یک قسمت شد هنرستان شهید محدث و یک بخش هم دبیرستان آیت... کاشانی. اما قصه به همین جا ختم نمی شود. برای ساواک مشهد، این دبیرستان حکم بمب ساعتی را داشت؛ هشت ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در خردادماه ۱۳۵۷، بچه های طلاب که عموماً به این مدرسه می آمدند، دست به یک اعتصاب گسترده زدند؛ حرف حسابان هم حمایت از نهضت امام خمینی (ره) بود. همین بچه ها بودند که بعدها، به خصوص در دی و بهمن همان سال، پرچم انقلاب را در منطقه طلاب بلند کردند و پای کار انقلاب ایستادند.

■ اولین داوطلب دبیرستانی

جنگ که شروع شد، اولین داوطلبان دبیرستانی شهر مشهد، از همین مدرسه به جبهه اعزام شدند؛ شاید حالا خیلی ها که از خیابان ابودر، پشت سیلوی گندم مشهد، عبور می کنند و نام شهید رضا لیاقت را روی



شهید حسینی محراب (نفر سمت چپ) از بچه های دبیرستان آیت... کاشانی در کنار سردار شهید محمود کاوه

یکی از کوچه های فرعی می بینند، ندانند که او، از برو بچه های همین دبیرستان آیت... کاشانی بود. رضا اوایل جنگ راهی جبهه شد و به عنوان اولین شهید دانش آموزی مشهد، پیکرش را روز چهارم دی ماه سال ۱۳۵۹ تشییع کردند یا شهید مسعود اختری که یک سال بعد از شهید لیاقت، از همین مدرسه به جبهه رفت و شهید شد و حالا، نامش را روی دبستانی در همان خیابان ابودر پشت سیلوی گندم گذاشته اند. در آن روزهای پر التهاب، در آن هنگامه ای که دفاع از دین و میهن، مرد میدان می خواست، بچه های دبیرستان آیت... کاشانی راه افتادند که بروند به خط مقدم؛ کم نیست، از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷، در مجموع ۶۵۰ رزمنده از این دبیرستان به جبهه ها اعزام شدند و ۱۰۵ نفر از آن ها، ابتدای نامشان به واژه «شهید» مزین شد؛ این بالاترین آمار در نوع خودش و در سراسر ایران است. بعضی از آن ها را مانند شهید حسینی محراب، خوب می شناسیم، معاون تیپ ویژه شهید و همرزم و همراه همیشگی شهید کاوه. خیلی از بچه های دبیرستان آیت... کاشانی، اصلاً در جبهه مرد شدند، استخوان ترکانند؛ وقتی که می رفتند هنوز پشت لبشان سبز نشده بود، اما وقتی برگشتند، مردی بودند برای خودشان. سال ها قبل، وقتی با یکی از بچه های بسیجی دبیرستان آیت... کاشانی آن سال ها گپ می زد،م، برایم تعریف می کرد که شهید برونسی، با موتور گاز اش می آمد به مدرسه و برای جوانان

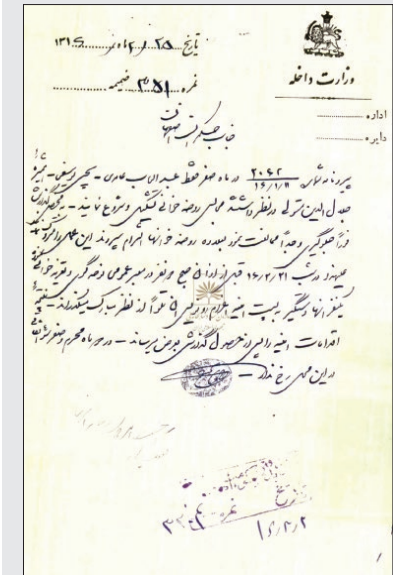
۶۶

از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷، در مجموع ۶۵۰ رزمنده از این دبیرستان به جبهه ها اعزام شدند و ۱۰۵ نفر از آن ها، ابتدای نامشان به واژه «شهید» مزین شد؛ این بالاترین آمار در نوع خودش و در سراسر ایران است. بعضی از آن ها را مانند شهید حسینی محراب، خوب می شناسیم، معاون تیپ ویژه شهید و همرزم و همراه همیشگی شهید کاوه

گزارشی رسمی از ممنوعیت عزاداری ماه صفر در دوران رضاشاه

سوگواری مخفیانه، پیش از اذان صبح

اجزایی در دوره پهلوی اول، به دست ما رسیده است؛ مستنداتی که همواره از سوی تطهیر کنندگان پهلوی در آن سوی مرزها، نادیده گرفته می شود و از چشم مخاطبان شبکه های ماهواره ای آن ها پنهان می ماند. سندی که امروز در معرض دید شما خوانندگان عزیز قرار می گیرد، مربوط به ۲۵ اردیبهشت ۱۳۱۶ است؛ گزارشی که یکی از مأموران رژیم پهلوی، برای حکمران (استاندار) وقت اصفهان فرستاده و او را از اقدامات خود در راستای جلوگیری از اقامه مجالس عزاداری مطلع کرده است؛ گزارشی که نشان می دهد به رغم ممنوعیت عزاداری، برخی از مردم در سحرهای دوماه محرم صفر، به دور از چشم مأموران، به اقامه عزادار معابر عمومی می پرداختند. این سند توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی منتشر شده است:



تاریخ

نکته تاریخی

مردی که هر دقیقه ۶ هزار آدم می کشت!



در تاریخ اختراع سلاح های جنگی، ریچارد گاتلینگ یک نام مشهور و شناخته شده است؛ مردی که با اختراعش، کار قتل عام را برای آمریکایی ها راحت کرد و آن ها، در جای شلیک گلوله با اسلحه های معمولی و تیراندازی شش یا هفت تیر در دقیقه، قادر شدند در هر دقیقه شش هزار گلوله شلیک کنند؛ تعجب نکند، گاتلینگ مخترع نخستین مسلسل جهان بود؛ اسلحه ای با شش لوله مستقل و یک قطار فشنگ طولانی که برخلاف اسلحه های خود کار امروزی، با گاز باروت مسلح نمی شد و باید هندل کنار آن را می چرخاندند تا شلیک کند. گاتلینگ در سال ۱۸۶۰م اسلحه خود را معرفی کرد و سلاح اختراعی او، خیلی زود به اسلحه محبوب گردان های ارتش آمریکا، به ویژه در غرب این کشور تبدیل شد؛ با این سلاح، راحت می توانستند ده ها سرخ پوست بدبخت را مانند برگ درختان در فصل پاییز، روی زمین بریزند. بیهوده نیست که بخش عمده ای از ۶۰ میلیون سرخ پوست قتل عام شده در آمریکای قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی، در نیمه دوم قرن نوزدهم از بین رفتند. شاهکار آقای گاتلینگ به سرعت چشم همه دولت های توسعه طلب و استعمارگرا را گرفت. روس ها از آن برای سرکوب جنبش های مردمی در آسیای میانه استفاده کردند؛ انگلیسی ها اولین بار این مسلسل را به آفریقا بردند تا تسل جنگجویان قبایل زولو را که به دنبال راندن استعمارگران اروپایی از زمین های اجدادی شان بودند، از روی زمین بردارند. ژاپنی ها، ابتدا از این سلاح برای سرکوب سامورایی های سنت گرای کشورشان استفاده کردند و بعد آن را در کشتارهای وحشیانه شبه جزیره کره و منچوری به کار گرفتند. فرانسوی ها هم بعد از کمی تعارف و تلاش برای استفاده از سلاح های کشتار جمعی خودشان، مسلسل گاتلینگ خریدند و در مستعمراتی مانند الجزایر، جوی خون، زاهدانداختند. این اسلحه تا سال ۱۹۱۱م که با نمونه های خود کار آن جایگزین شد، جان صدها هزار انسان را گرفت. ریچارد گاتلینگ تا سال ۱۹۰۳ میلادی زنده بود و هرگز دیده نشد که از نتایج حاصل از کاربری اسلارش، شرم منده باشد. او از راه اختراع مسلسل، ثروت هنگفتی به دست آورد، اما هیچ وقت مانند آلفرد نوبل، مخترع دینامیت، دچار احساس گناه نشد.

تاریخ جهان

خیمه شب بازی متفقین در «نور نبرگ»

حلاجیان – اولین دادگاه برای رسیدگی به جنایات جنگی در تاریخ جهان، روز ۲۰ نوامبر ۱۹۴۵ میلادی در شهر نورنبرگ، واقع در جنوب آلمان برگزار شد. هدف این دادگاه، بررسی جنایت جنگی آلمان هادر جنگ جهانی دوم، توسط کشورهای فاتح جنگ یعنی فرانسه، آمریکا، انگلستان و شوروی بود. همین مسئله باعث شد که دادگاه نورنبرگ، بیش از حد معمول نمایشی و فرمایشی باشد. قضات دادگاه، فاتحان جنگی خوین بودند که البته هرگز به اتهامات خودشان در هیچ محکمه دیگری رسیدگی نشد. برای مثال، روس ها به خاطر قتل عام «کاتن»، که در آن ۱۱ هزار افسر اسیر لهستانی را از دست بی گذراندند، هرگز مورد سوال قرار نگرفتند یا بمباران جنوب آلمان توسط انگلیسی ها و آمریکایی ها، با بمب های آتش زای فسفری که موجب جزا غاله شدن هزاران تن از مردم بی دفاع شهرهای جنوب آلمان و ایجاد جراحت های شدید و سوختگی در بخش مهمی از آن ها شده بود، هیچ گاه مورد بررسی و بازخواست، در هیچ دادگاهی قرار نگرفت. یکی دیگر از نکات قابل توجه این دادگاه که جنبه نمایشی بودنش را بیش از پیش نشان می داد، اساسنامه دادگاه بود که طبق ماده ۱۲۱ آن، قضات برای وقایعی که شهرت داشت و به صورت شایعه از آن ها یاد می کردند، نیاز به ارائه شاهد و دلیل نداشتند! این بند، شاید فلسفه ایجاد هر دادگاهی را از بین ببرد. قضات دادگاه با استناد به همین ماده اساسنامه، هو لو کاست و وقوع آن را پذیرفتند. همه این خیمه شب بازی ها را بگذارید کنار این مطلب که آلمان، جز در کامرون و معدود جزایر اقیانوس آرام، تجربه استعماری دیگری نداشت، اما کشور های فاتح و بر گزار کننده دادگاه رسیدگی به جنایات جنگی، هر یک، سابقه چند صد ساله در استعمار و جنایاتی مربوط به آن را که علاوه بر شهرت، دارای اسناد تاریخی متعدد هم هست، در کارنامه خود دارند. موضوع بسیار بحث برانگیز دیگر در حاشیه این دادگاه، تقسیم کردن پشت پرده متهمان، به متهم خوب و متهم بد بود؛ به طوری که مغز متفکر برنامه موشکی هیتلر، «ورنر فن براون» هرگز محاکمه نشد و البته چندی بعد در حاشیه برنامه های موشکی ایالات متحده آمریکا، برای کمک به آنان در بر تاپ موشک به فضا، مورد تقدیر قرار گرفت!